

¹For every high priest taken from among men is ordained for men in things pertaining to God, that he may offer both gifts and sacrifices for sins: ²Who can have compassion on the ignorant, and on them that are out of the way; for that he himself also is compassed with infirmity. ³And by reason hereof he ought, as for the people, so also for himself, to offer for sins. ⁴And no man taketh this honour unto himself, but he that is called of God, as was Aaron. ⁵So also Christ glorified not himself to be made an high priest; but he that said unto him, Thou art my Son, to day have I begotten thee. ⁶As he saith also in another place, Thou art a priest for ever after the order of Melchisedec. ⁷Who in the days of his flesh, when he had offered up prayers and supplications with strong crying and tears unto him that was able to save him from death, and was heard in that he feared; ⁸Though he were a Son, yet learned he obedience by the things which he suffered; ⁹And being made perfect, he became the author of eternal salvation unto all them that obey him; ¹⁰Called of God an high priest after the order of Melchisedec. ¹¹Of whom we have many things to say, and hard to be uttered, seeing ye are dull of hearing. ¹²For when for the time ye ought to be teachers, ye have need that one teach you again which be the first principles of the oracles of God; and are become such as have need of milk, and not of strong meat. ¹³For every one that useth milk is unskilful in the word of righteousness: for he is a babe. ¹⁴But strong meat belongeth to them that are of full age, even those who by reason of use

¹ زیرا که هر رئیس کهنه از میان آدمیان گرفته شده، برای آدمیان مقرر می‌شود در امور الهی تا هدایا و قربانی‌ها برای گناهان بگذرانند؛ ² که با جاهلان و گمراهان می‌تواند ملامت کند، چونکه او نیز در کم زوری گرفته شده است. ³ و به سبب این کم زوری، او را لازم است چنانکه برای قوم، همچنین برای خویشتن نیز قربانی برای گناهان بگذرانند. ⁴ و کسی این مرتبه را برای خود نمی‌گیرد، مگر وقتی که خدا او را بخواند، چنانکه هارون را. ⁵ و همچنین مسیح نیز خود را جلال نداد که رئیس کاهنه بشود، بلکه او که به وی گفت: تو پسر من هستی؛ من امروز تو را تولید نمودم. ⁶ چنانکه در مقام دیگر نیز می‌گوید: تو تا به ابد کاهن هستی بر رتبه ملکی صدق. ⁷ و او در ایام بشریت خود، چونکه با فریاد شدید و اشکها نزد او که به رهانیدنش از موت قادر بود، تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب گردید، ⁸ هر چند پسر بود، به مصیبت‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت ⁹ و کامل شده، جمع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت. ¹⁰ و خدا او را به: رئیس کهنه مخاطب ساخت به رتبه ملکی صدق.

خطر دوری از خدا

¹¹ که درباره او ما را سخنان بسیار است، که شرح آنها مشکل می‌باشد چونکه گوشهای شما سنگین شده است. ¹² زیرا که هر چند با این طول زمان شما را می‌باید معلمان باشید، باز محتاجید که کسی اصول و مبادی الهامات خدا را به شما بیاموزد و محتاج شیر شدید نه غذای قوی. ¹³ زیرا هر که شیرخواره باشد، در کلام عدالت ناآزموده است، چونکه طفل است. ¹⁴ اما غذای قوی از آن بالغان است که حواس خود را به موجب عادت، ریاضت داده‌اند تا تمییز نیک و بد را بکنند.

have their senses exercised to discern both
good and evil.